

تبصره ای بر تبصره های سخیداد و الینگار

رفقای انقلابی سلام!

دست های تان را با احساس پرولتری، صمیمانه می فشارم. من به عنوان کارگری عادی تا جایی توانسته ام به اساس مطالعات شخصی خود را با زیور علم رهایی بخش مارکسیزم آراسته نموده و خودم را از منجلاب روشن فکر مرتجع و خرده بورژوا و لیبرال که به اصطلاح رفیق مائو به مثابه خوره عمل می نمودم، برون کنم. حقانیت مارکسیزم، لنینزم و مائویزم را تا جایی نسبتاً توانسته ام درک و سره را از نا سره تشخیص دهم. روز به روز ایمانم به توده ها، دهقان ها و سایر زحمتکشان قوی تر و موقف طبقاتی ام مستحکم تر و با ثبات تر می شود.

چون در دنیا یی که به سر می برم مهر طبقاتی در تمام تار و پود آن ریشه دوانیده است، ناگزیر اثرات زیانبخش آن را در خودم می بینم و به روش دیالکتیکی انتقاد و انتقاد از خود آن را علاج خواهم کرد و روحیه فرهنگی نیمه فیودالی و نیمه بورژوازی که از اجتماعم برایم میراث مانده است، در واقع به مثابه اثرات زهر مقاتل و میراث دنیای کهن و انسان تراز کهن مرا نیز دامنگیر است. علی الرغم آن، مصممم که دامنه آن را به زودترین فرصت محدود تر، این زنگ را از خود دور، شناخت و ایمانم را در مورد علم مارکسیزم و رهایی پرولتاریا بیبیشتر کنم.

منظورم از پر حرفی؛ تمجید و تعریف از خودم نیست. می خواهم خود را به عنوان عضوی از طبقه ام، در پراتیک انتقاد و انتقاد از خود، قرار دهم. نه آن که خود را شاخ آسمان فکر کنم. باید روش آموزش تلفیق تیوری در پراتیک و پراتیک در تیوری را آموخت و به کار بست و نیز بسط داد و رنه دست پاچه شده و شرمند دست به کمر در خدمت ارتجاع حتا نقل قول های صدر مائو را نیز مانند الینگار پس و پیش، و مفاهیم فلسفی، اقتصادی و سیاسی آنرا به زیان پرولتاریا و مفاد ارتجاع در خواهم آورد.

بتازگی، دو نوشته و تحلیل، پیرامون بحث آقای الینگار و سخی داد را در سایت بابا خواندم و در نظرم خیلی جالب آمد. باید به همه ی خوانندگانی که به علم م ل م آشنایی و ایمان راسخ به رهایی پرولتاریا یی انقلابی به مثابه پیشاهنگ دهقانان و سایر زحمت کشان و تهی دستان، دارند گوش زد نمود که عطف توجه در این گونه جرو بحث ها قویا لازم است.

آقای الینگار با جملات ملا نقطی؛ نظرات خرده بورژوایی خود را با آیدولوژی م ل م استتار و واقعیت ها را که از پراتیک اجتماعی سرچشمه می گیرد وارونه جلوه داده، مارکسیزم را آشکارا تحریف و مقولات رهبران کبیر پرولتاریا را از دید رویزونیستی خود پس و پیش می کند. به قول معروف، مانند تروتسکی خوش خدمت که از دشمن کرده هم خطرناک تر است چهره دانشمند مابانه به خود گرفته و خیلی زیرکانه و استادانه م ل م را لگد مال و ساطور کاری دانشمندانه می کند.

من جهت اثبات نظرم نوشته معروف صدر مائو را که زیر عنوان **ایده های درست انسان از کجا سرچشمه می گیرند**؛ به تمام کسانی که در تلاش آموزش م ل م اند به کتابخانه رنجبران ارجاع می کنم: www.ranjbaran.org تا جلو آنا نی را که خیلی دانشمندانه و ماهرانه م ل م را تحریف و توده

ها را توهین می کنند به جدیت گرفت و پاسخ دندان شکن به آنها باید داد. در ضمن، خصلت لیبرال و اپورتونیست بودن پنهان و غرور کاذب و غیر پرولتری آنها را برملا و در صورت لزوم آن ها را وادار به تجدید تربیت و آموزش از نو نمود. در غیر آن، این بحران فکری که زیر نام م ل م عمل می کند، سخت زیانبخش است و آنانی را که تازه دست به آموزش علم خلاق م ل م می زنند متردد و دو دله می سازد و از روند انقلابی، به ویژه نو آموزان را به فرسنگ ها فاصله دور می اندازد و آنها بیشتر را در خدمت دشمن طبقاتی و مبارزات ملی مترقی مان قرار می دهند.

رفقای انقلابی! باید ما، بر علیه منحرفان چپ و راست سخت مبارزه کنیم و یک لحظه درنگ کردن و غفلت ورزیدن در این مورد خطا جبران ناپذیر است. این کار را نه بایست خرد جلوه داد زیرا همان طور که لنین کبیر می گوید؛ از خرد است که کلان بر می خیزد. ما در شرایط خطر ناک به سر می بریم. کشور مان توسط امپریالیست ها اشغال و زحمت کشان ما بیش از پیش زیر ستم و استثمار امپریالیزم و سگان زنجیری آن قرار گرفته اند. دشمنان ما سخت بیدار و بی توجهی در این مقطع زمانی دور از خرد است.

دفاعیه ی به قلم آقای سخی داد، در حقیقت نظریات میکانیکی آقای الینگار را نقد و غلط بودن تحلیل های اجتماعی او را خیلی صحیح منعکس و پا در هوا بودن آیدالیستی آنرا افشا نموده است. خصلت جملات و کلمات تحقیر آمیز الینگار را که از فرهنگ عقب مانده و بدوی او منشاء می گیرد؛ باید در زیر بینا اقتصادی که افکار او را تعیین می کند، جستجو نمود.

آقای الینگار قطعا همان طور که سخی داد متذکر می شود نه تنها خرسوار بلکه به اصطلاح هزاره ها خرش چارگم یا تند از واقعیت های اجتماعی می گذرد. الینگار نظر به ادعای ایشان که علم را مقدم از مبارزه تولیدی و طبقاتی می داند، حتما که قباله روباهش را در دست دارد و در کار ذهنی با در آمد بالا روزگارش را می گذرانند. به احتمال قوی مزدش دو و یا سه برابر مزد یک کارگر مثل سخی داد که در تولید یدی مصروف است، می باشد.

الینگار ما، از دید میتافیزیکی که در واقع هیچ ربط دیالیکتیکی از تولید اجتماعی ندارد و بدون در نظر داشت م ل م از بالا به پایین نگاه می کند و شعور او فقط توسط زیربنا اقتصادی خرده بورژوازی او شکل می گیرد نه موقف پرولتری او.

حق با اوست تا کم در آمد ها را که به برکت سر جامعه طبقاتی دسترسی به مکتب ندارند و یا ادامه تحصیل شان میسر نیست به باد پوزخند گیرد و خود را دانشمند و متخصص در م ل م و دیگران را بی سواد و نیمه بیسواد خطاب کند. در عین حال، او ماتریالیزم دیالیتیک را آشکارا نفی و مثل کنه به فرمول های مجرد ریاضی می چسبد و از بالا دستور صادر می کند که علم را باید بیاموزید و بعد دست به آموزش مبارزه طبقاتی و انقلاب بزنید. این پساهانگ عزیز که به غلط ادعای پیشاهنگ بودن را دارد؛ انقلاب و مبارزه طبقاتی و ملی را به عقب می اندازد در واقع بر علیه نیرو های ملی مترقی و انقلابی قد علم می کند و در حقیقت دست و پای ما را ماهرانه می بندد.

خدا مرده هایی او را بیمارزد! این عملکرد خرده بورژوازی متردد است که موضع گیری متزلزل دارد نه پرولتاریایی انقلابی. این تهی دستان استثمار شونده را که قربانی الكل ارزان قیمت استثمار گران شده اند؛ علل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن را باید در بی عدالتی و نابرابری های جامعه

ریشه یابی کرد. نباید آن ها را تحقیر و توهین نمود بلکه باید سطح آگاهی آنها را بالا برد تا متوجه معایب مصرف آن شوند.

این الکل ارزان قیمت در شرکت تولیدی این سرمایه داران تولید و باز تولید می شود نه در کارخانه مادر این تهی دستان بی خان مان که در اثر افراط نوشیدن، شیرازه خانوادگی بعضی شان متلاشی و مورد استثمار بی حد و حصر قرار می گیرند. به چرند و پرند مصروف شان نگه می دارند و فرصت مطالعات سیاسی و آگاهی را از ایشان می گیرند. واقعیت ها را از آنها پوشیده و یا برای شان وارونه جلوه می دهند. بی چاره ها را شستشو ی مغزی می کنند و آنها را در خواب غفلت نگه می دارند.

نام خدا آقای الینگار ما، از ما بی سوادان و به اصطلاح خودش نیمه با سوادن بهتر می داند که وظیفه دولت و افراد آگاه، آگاه ساختن اتباعش هست نه ترغیب و تشویق نوشیدن شراب ارزان و یا قیمت که امروز توسط بورژوازی بی شرمانه تبلیغ می شود.

عزیز من، ما و حتا به شمول خودتان انقلابی آگاه هستیم نه فاسد و رهن. ما از آن هایی که این ارزان قیمت ها را نوش جان می کنند، دفاع نمی کنیم هم نمی خواهیم به رخ شان بکشیم که چرا ازان و یا قیمت می نوشند. ولی، بر عکس می گوئیم که مصرف بیش از حد آن سلامتی فرد و اجتماع را تهدید می کند. نوشیدن آن مفید هست ولی درست نیست. آنچه که درست هست ناگزیر مفید است اما آنچه که مفید هست لابد درست نیست.

الینگار عزیز، این تضاد که در اثر از خود بیگانه شدن دست از ذهن و یا ذهن از دست در جریان تولید بروز کرده و ناگزیر کار را به دو بخش فکری و یدی تقسیم کرده است و شما هم لابد در قسمت کار ذهنی آن فعالیت دارید. در جامعه که ما بی سوادان زیر رهبری جناب دیپلوم دار خویش علم مبارزه را به کمک این پیشاهنگ نازنین بالا می کنیم، این تضاد مذکور را چه گونه باز توسط فرمول مجرد ریاضی خویش حل خواهید کرد؟ یا شاید ما پیش از موقع صدای مارا از بی سواد بی جای بلند می کنیم و بعد از استقرار سوسیالیزم موقع بحث آن فرا می رسد و فعلا جای آن نیست و اکنون بایست صدای مان را در گلو خفه کنیم. چون در پراتیک انقلابی الینگار علم مقام اول و مبارزه تولیدی و طبقاتی مقام دوم و سوم رابه ترتیب احراز می کند، پس در جامعه سوسیالیستی آقای الینگار مائویست؛ کارگران و دهقانان به امر اداره دخیل نبوده و فقط حق تولید را دارند و بس. در اوتپی سوسیالیستی الینگار، سرور و رهبر و گل سر سبد ما، ما کارگران بی سواد و نیمه با سواد انقلابی به ناچار تابع و خدمت گار ایشان باشیم.

در آخر همین قدر برای النگار مائویست می گویم که روح صدر مائو ازتان ناراض باد که این طور جملاتش را استادانه ساطور کاری می کنید. به گفته معروف صدر مائو متشخص ترینان جاهلانند و فرو افتاده ترینان زیرکان ومن نمی دانم که الینگار را در کجا قرار دهم. دانشمند گرانقدر، ما که طالب وار دشمن علم نیستیم و سر ستیز هم درمورد آموختن علم با شما نداریم. ولی، من این قدر خدمت با سعادت تان عرض می کنم که فقط این انقلاب پرولتری و مبارزه طبقاتی است که به اجبار در قدم اول نیروی کار را آزاد و بعد علم را نیز از دست اقلیت استثمارگر بیرون می آورد و به دسترس و در خدمت اکثریت استثمارشوندگان قرار می دهد. نه آن طوری که شما می پندارید. اما باز هم زبانم گنگ باد که گیم را نقض و باز برایت بگویم که دم تان گرم باد؛ راستی اگر شما این

کار را نه کنید ما چه گونه می توانیم دشمنان انقلاب را که به لباس دوست ظاهر می شوند از دوستان انقلاب تفکیک کنیم.

در اخیر ازتان خواهشمندم تا وقوع انقلاب پرولتری آینده را که توسط فرمول ریاضی و یا آمارگیری دانش جویانیکه در این مورد به تحقیقات ریاضکی پرداخته اند برای ما تعیین کنید! تا به خیر ما کارگران و دهقانان بی سواد و نیمه باسواد با دست هایی چرکین و پاهایی تپاله دار با خیال آسوده لحظه شماری و در خدمت جناب عالی گوش به فرمان و در حال آماده باش دست به کمر بایستیم.

با آرزوی کشف فرمول ریاضی در مورد تاریخ دقیق وقوع انقلاب آینده !

حیدر خارا. 12.11.2008